

اطلاعیه کمیته مرکزی درباره :

برگزاری کنگره چهاردهم سازمان

کنگره سالانه سازمان در مرداد ماه 1388 با شرکت اعضا و میهمانان برگزار شد. نخست بیاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و جنبش اعتلایی جاری در ایران ، شرکت کنندگان بپا خواستند و یک دقیقه کف زدند. و آنگاه شعر " من کافر " که برای تجلیل از قربانیان و اسیران جنبش آزادیخواهانه و عدالت جویانه اخیر ایران سروده شده بود توسط سراینده آن خوانده شد و با ابراز احساسات فراوان شرکت کنندگان در کنگره نسبت به رزمندگان جانباخته و مبارزان اسیر مردم ما روپرو شد. سپس کنگره با گزینش هیئت گرداننده و منشی ها کار خود را آغاز نمود.

بقیه در صفحه 2

قطعهنامه درباره جدایی بخشی از رفقای سازمان (مصوب کنگره چهارده)

۱- کنگره چهاردهم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با تایید اطلاعیه کمیته مرکزی منتخب کنگره سیزدهم در مورد این جدایی به تاریخ ۷ ژوئیه ۲۰۰۹ (ضمیمه ۱) بر نکات زیر تاکید می کند:

۲- همانطور که در بیانیه مذکور آمده " این جدایی ناشی از اختلافات نگرش در مناسبات مربوط به فعالیت جمعی سیاسی و چگونگی تنظیم رابطه گرایش های فکری متفاوت درون سازمان است." ترجمه عملی این اختلافات در روند دمکراتیزاسیون هر چه بیشتر مناسبات زندگی سیاسی جمعی ما خود را نشان داد. هر چه اختیارات مرکزیت با مصوبه های کنگره به سمت مجامع عمومی تر اعضا سوق پیدا کرد، تناقضات رابطه بین گرایش های فکری متفاوت با بن بست روپرو شد.

بقیه در صفحه 8

قطعهنامه کنگره

پیرامون ضوابط حاکم بر رسانه های سازمان

سایت ونشریه سازمان رسانه هائی هستند که علاوه بر انتشار وتوضیح مواضع عمومی- سیاسی سازمان، برپایه رهنمود کنگره اول، به عنوان تریبون هائی گسترده عمل میکنند و باید همچنان دامنه خود را در درون جنبش بزرگ کارگری و ضد سرمایه داری بگسترانند و به تبلیغ وترویج کمونیسم پردازند.

بقیه در صفحه 7

در سپاس از همدلی یاران

بازتاب خیر تاسف بار جدائی بخشی ازرفقای سازمان ما درمحیط سیاسی وانقلابی ، اما تاسف بار نبوده است. زیرا این جدائی نا بهنگام تاسف و نگرانی بسیاری از رفقا و یاران بیرون از سازمان ما را - در داخل و در خارج - به دنبال داشت و نشان داد فعالان جنبش آزادیخواهانه و سوسیالیستی، در قبال انشعاب بی پایه ما بی تفاوت نیستند.

بقیه در صفحه 10

سند سیاسی مصوب کنگره

اوضاع سیاسی و وظائف ما

1- دوره تازه ای از زندگی سیاسی اجتماعی در ایران شروع شده است. مبارزات توده ای هفته های بعد از کودتای انتخاباتی 22 خرداد، تا همین حد کنونی هم وجوه مختلف سیاسی واجتماعی جامعه ما را دستخوش تحول کرده وبازگشت به دوره پیش را نا محتمل. این مبارزات انقلابی گسترده، بدون پیشینه وهم چون رعد وبرقی در آسمان بی ابر نبوده است. این مبارزات نزدیک ترین ریشه های خود را در تحریم انتخابات گذشته و در مبارزات جنبش های اجتماعی می یابد. مبارزاتی که برای تحقق مطالبات روزمره زندگی تا تأمین حقوق پایه ای وبرابر و تا خواست رهائی از سلطه واستبداد یک حکومت مذهبی سرمایه داری جریان داشته است. مبارزاتی که در دوره چهار ساله گذشته علیرغم افزایش شدت سرکوب نه تنها خاموشی نگرفته بلکه درپاره ای جهات عمق وگسترش هم یافته است.

بقیه در صفحه 3

اطلاعیه کمیته مرکزی ...

قبل از برگزاری کنگره 14 کمیته مرکزی کمیسیونی را مامور تهیه یک قطعنامه در این باره کرد. در کنگره در باره بند بند این قطعنامه بحث شد و با اصلاحات لازم قطعنامه مصوب کنگره در این باره تهیه شد که مبنای کار در رابطه با ضوابط حاکم بر رسانه های سازمان خواهد بود.

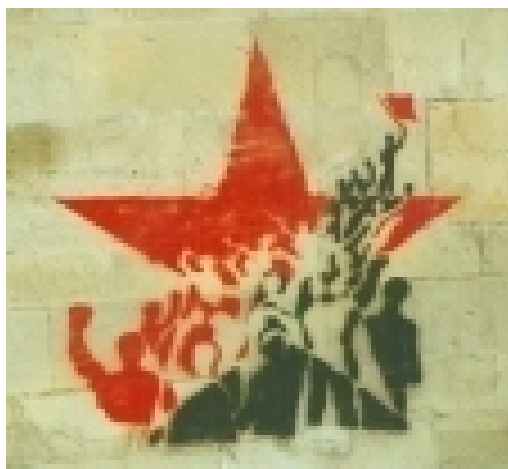
دستور کار کنگره :

همانطور که همگان در سایت سازمان دیده اند ، دو پیش نویس سند سیاسی قبل از برگزاری کنگره انتشار بیرونی یافته اند .کنگره با اکثریت آرا سند سیاسی اکثریت کمیسیون سیاسی را که قبلا تشکیل شده بود مبنای بررسی قرار داد و سند دوم را نیز درکنار آن به بحث گذاشت. پس از بحثهای فعال در زمان تعیین شده برای این بحث ، کنگره کمیسیونی را که در ضمن صاحبان هر دو نظر نیزدر آن عضویت داشتند انتخاب کرد تا اشتراکات دو سند را بررسی کرده و در یک سند جای دهد و اختلافات را نیز جداگانه و به عنوان نظر اقلیت در پانویس سند سیاسی منعکس کند. چون این کمیسیون در زمان تعیین شده نتوانست به کار خود پایان دهد، کنگره به همین کمیسیون ماموریت داد که پس از پایان کنگره به سرعت کار خود را به انجام رساند تا نتیجه کار در یک مجمع صلاحیت دار سازمانی و بر اساس رای اعضا به تصویب رسد.

کنگره 14 سازمان پس از انتخاب اعضای کمیته مرکزی و اعضای کمیسیون نظارت و رسیدگی به شکایات برای دور جدید فعالیت و با آرای مخفی اعضا ، با پخش سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

شهریور 1388



- 1 - ارزیابی از بحران تشکیلاتی و جدایی بخشی از رفقای سازمان و تنظیم رابطه و همکاری با این رفقا و ازجمله تقسیم امکانات مشترک سازمان
- 2 - تجدید سازمان تشکیلات به دنبال این جدایی
- 3 - ضوابط حاکم بر رسانه های سازمان
- 4 - بررسی جنبش نوپای کنونی ایران و انتشار سند سیاسی کنگره سازمان
- 5 - انتخاب اعضای کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و رسیدگی به شکایات

گفتگو و مباحث گسترده ای پیرامون ریشه های بحران تشکیلاتی و جدایی بخشی از رفقای سازمان صورت گرفت و در پایان کمیسیونی برای جمع بند مباحث انتخاب شد . کمیسیون منتخب پس از چند ساعت بحث و بررسی اسناد موجود ، یک قطعنامه در باره جدایی و یک نامه به رفقای جدا شده درباره تنظیم رابطه و تقسیم امکانات مشترک سازمان تهیه و به کنگره برای تصمیم گیری ارایه نمود. این قطعنامه درکنگره مورد بحث قرار گرفت و با اصلاحاتی به تصویب رسید. در مواردی نیز اختلاف نظر وجود داشت که قرار شد در این موارد نظر اقلیت نیز منعکس شود. این قطعنامه با پیوست های لازم برای آگاهی همگان انتشار می یابد. نامه تهیه شده نیز با اصلاحاتی به تصویب رسید و قرار شد برای رفقای جدا شده ارسال شود.

با درنظر داشت این جدایی ناخواسته ، تجدید سازمان تشکیلات اجتناب ناپذیر بود. البته به جز این بحث مربوط به ساختار تشکیلات از دو سال قبل در سازمان ما جاری بود و سال گذشته کنگره 13 نیز به کمیته مرکزی منتخب خود ماموریت داده بود که این بحث را به نتیجه برساند که به دلیل حاد شدن بحران تشکیلاتی بحث درباره آن متوقف مانده بود . ازاینرو کنگره در جریان بحث در باره تجدید سازمان با درنظر داشت بحث های قبلی درباره ساختار تشکیلاتی ، تصمیمات لازم را اتخاذ و کمیته مرکزی آینده را مامور اجرای آن نمود.

ضوابط حاکم بر رسانه های سازمان نیز در سال گذشته در کنگره 13 سازمان در دستور کار قرار داشت و در آن کنگره سه قطعنامه در این باره به کنگره ارایه شده بود که چون زمان کنگره به بحث درباره آن نرسید، کنگره 13 به کمیته مرکزی منتخب ماموریت داد که این بحث را در سازمان جاری سازد و از طریق یک مجمع صلاحیت دار سازمانی ، نظررسمی سازمان را در این باره روشن سازد. بحث های جاری دراین باره پس از کنگره 13 و اختلافات درباره آن یکی از دلایل حاد شدن اختلافات درون تشکیلاتی بود. ازاینرو پس از جدایی و

سند سیاسی مصوب ...

در چهار سال که فلات زندگی وسیع ترین بخش های جمعیت روزافزون شد و این در حالی بود که انتظار عمومی بدلیل افزایش درآمدهای نفتی بیشتر شده بود. بحران عمومی سرمایه داری با اختلال های برنامه ای که دولت احمدی نژاد برای حفظ منابع قدرت خود بر آن می افزود، گذران زندگی را سخت تر کرد. بی عدالتی و فاصله طبقاتی بیش از پیش شد. در سال 87 سود خالص هریک از ده نفر وارد کننده اصلی اتوموبیل 13 میلیارد تومان در سال بود در حالی که دستمزد سالانه کارگران حدود 4 میلیون تومان بود، یعنی اختلافی بیش از سه هزار برابر. در همین سال، سود خالص ماهیانه هریک از 15 وارد کننده عمده شکر 300 میلیون تومان بود در حالی که حقوق ماهیانه 300 هزار تومانی کارگران صنعت شکر، یعنی یک هزارم درآمد سرمایه دارین رشته، ماه ها عقب افتاد و پرداخت نشد. فشار بر زنان و کارگران و دانشجویان بیش از پیش شد. سانسور فرهنگی اوج گرفت و سرکوب ملیت ها و اقلیت های مذهبی شدید تر شد. تنگ تر کردن فضای زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه و مجاری تنفس مردم بخش های هر چه بیشتر برانگیخت. و این بویژه در زمانی که بهانه تهدید نظامی آمریکا دیگر مطرح نبود و فضای سیاسی بین المللی نیز تغییریاتی کرده بود بیش از هر زمان برانگیزاننده شد و خواست تحول و تغییر را بیش از گذشته مطرح کرد.

این مبارزات توده ای کنونی و این خروش انقلابی، فوران آتش فشان خشم انباشته شده مردم در این مرحله از همان فرایند مبارزه است. انرژی مترام این خشم خروجی خود را در شکافی پیدا کرد که در مقطع انتخابات در نظام حکومتی و اقتدار آن پدید آمد و بیرون زد. و این انرژی مبارزاتی آنقدر هست

که شدیدترین سرکوب و کشتاردها نفر و صد ها مجروح و هزاران زندانی و... هنوز نتوانسته است آت را مهار کند. بلکه تداوم چندین هفته ای، نشانه این توانمندی و ظرفیت مبارزاتی است که می تواند در ادامه خود توازن نیرو را تغییر دهد. نه تنها ضرباهنگ این مبارزات از سرعت قابل ملاحظه ای برخوردار است بلکه سیر تغییر شعارها، علیرغم سرکوب شدید، نشانه خواست نهفته در این مبارزات است. این خواست از منظر رابطه با حکومت، با توجه به انباشت مطالبات مردم و ماهیت اصلاح ناپذیر حاکمیت، بیان نفی کامل این نظام است؛ اگر چه بدلیل توازن موجود و میزان توان مبارزان در این مرحله هنوز آن را به صورت شعارهای غیر مستقیمی طرح کنند و یا از سپردنای نیروهای حکومتی استفاده کنند. * حتی آنان که در انتخابات به احمدی نژاد رأی دادند هم بخشا به این دلیل بود که 30 سال حکومت اسلامی را افشا و رسوا کرد. وقتی او عوامفریبانه به نماد های فساد مالی حکومت و غارت و استعمار حمله کرد، رأی آنهایی را جمع کرد که استخوانشان در این سالها خرد شده بود. او با تعرض سالوسانه به خشونت " طالبانی " حکومتیان در دهه 60- وقتی به موسوی در مناظره گفت که در دوره نخست وزیری او کراوات مردم را پیچی می کردند- همه دهه " امام راحل " را هم به زیر سوال برد. و بنابراین نمی توان گفت آنها که به او رأی دادند همگی طرفداران حکومت اسلامی اند. بهمین دلیل است که در این روزهای مبارزه، شرکت کنندگان در حرکت های خیابانی فقط با

نیروهای پلیس، پاسدار و ایادی سازمان یافته حکومت روبروی شوند و خبری از مردم هوادار رژیم نیست.

این مبارزات هم چون هر جنبش بزرگ توده ای خود جوش است و تنها دستگاه تبلیغاتی و رشکسته ولایت فقیه می تواند به آن مارک " مخملی " یا توطئه و غیره بزند. علاوه بر آن بدلیل همین خصلت توده ای و خودجوش بودن تحت کنترل و سازماندهی هیچ مدعی رهبری هم نبوده و کسی نیز نمی تواند به آسانی با آن چنین کند. حرکت میلیونی خیابانی بعد از انتخابات، علیرغم پس گرفتن فراخوان تظاهرات بصورت خود جوش و با ابتکار خود توده های شرکت کننده به پا شد. ** واقعیت این است که بعد از تحریم انتخابات سال 84 و موقعیت لرزان داخلی و بین المللی حکومت اسلامی، آنها مجبور بودند که نتوان انتخابات را گرم کنند تا بنوعی مشروعیت دست یابند. اما بنا نداشتند اجازه ورود دسته دیگر حکومتی را به حوزه قدرت بدهند و برعکس بر آن بودند که بخیال خود در

" بالا " یک پارچگی ایجاد کنند. پس وقتی که برای جلب رأی دهندگان به آنچنان افشاگری ها پرداختند و گرمای بیش از حد و غیرقابل کنترل " تنور " همه چیز را سوزاند، مجبور شدند انتخابات را به شیوه کودتایی به پایان برند.

این جنبش به واسطه وجود استبداد فراگیر و سرشت تمامیت-گرایی رژیم حاکم خصلت همگانی دارد و لایه-های متنوعی در آن شرکت دارند. معینا نقش جوانان و زنان در این جنبش همگانی برجسته است و خود ویژگی آن را مشخص می-سازد. ***

ویژه گی بی همتای این جنبش و مبارزه، نقش زنان در آن است. برای اولین بار در تاریخ این جامعه زنان نه به عنوان سیاهی لشکر و نیروی حمایتی، آن چنان که در انقلاب 57 بود، بلکه به عنوان کنشگر فعال و تعیین کننده در صفوف مبارزه جا گرفته اند. بی جهت نیست که " ندا " سمبل این جنبش است. یعنی این انقلاب در راه، رنگ زنانه گرفته و زنانه تر هم می شود؛ و بهمین اعتبار از هم اکنون هم تاثیر خود را در ارزش ها و مناسبات اجتماعی گذاشته و آنها را دگرگون کرده و خواهد کرد.

در چنین وضعیتی، اختلاف و شکاف درونی حکومت اسلامی که تا پیش از انتخابات هم شدت یافته بود، به سطح بی سابقه ای رسیده است. حالا نه تنها مردم ولی فقیه را به مبارزه طلبیده اند، نه تنها رقبای درونی مانند رفسنجانی و بخش بزرگ روحانیان مدعی شده اند، نه تنها اصلاح طلبان حکومتی و موسوی و غیره عملا فرمان ولی فقیه را نمی پذیرند، بلکه در جناح خود ولی فقیه و طرفداران ریاست جمهوری احمدی نژاد رقابت و اختلاف دامن گسترده و روز به روز هم بیشتر می شود. یعنی طوفان در درون خود دستگاه ولایت فقیه غوغا می کند. این همه، جزگاهش قدرت کنترل حکومتی نخواهد بود.

یعنی وضعیتی که زمینه پیشروی مبارزه را مناسب می کند. این مبارزه انقلابی با مسأله استبداد و در جهت نفی آن و برای آزادی شروع شده است. اما همچون هر مبارزه توده ای طبقاتی در جامعه سرمایه داری ظرفیت های درافتادن با ریشه های سلطه یعنی حاکمیت سرمایه بر زندگی انسان را از همان ابتدا دارد؛ و می تواند با جاری کردن ظرفیت های خود، پیشروی کرده و مبارزه ای خود رهان و به واقع رهانی بخش ضد سرمایه داری را متحقق کند. بستری که این مبارزه در آن جریان دارد و ظرفیت های نیروهای طبقاتی و میزان مبارزه آنان، حد تا شیرگذاری آنها را در این پروسه رقم خواهد زد. از نقطه نظر مبارزه ضد سرمایه داری و پیشروی فرایند مبارزاتی در این جهت، یعنی آزادی ورهانی واقعی، شرایط بین المللی مبارزه ما علاوه بر (و شاید پیش از) شرایط داخلی دخیلند. بررسی

سند سیاسی مصوب ...

هرکدام از این شرایط، جهانی و داخلی، ظرفیت گسترش مبارزه را نمایان می‌کند.

2-بسترجهانی مبارزه ما شاهد تحولات مهمی است. بحران سرمایه داری که درتابستان 2008 به صورت انفجاری خود را بروز داد، کند شدن پیشروی برنامه نئولیبرالی و بازاریابی مهاربود. حالا بیش ازهرزمانی مشروعیت سرمایه داری زیرسؤال است. 20 سال پیش بعد از فروپاشی رقیب روسی و شرقی بلوک قدرت سرمایه داری غرب، مناسبات سرمایه داری را به عنوان سرنوشت مقدر و محتوم بشرچارزدند. و آن را گره گشای همه معضلات اعلام کردند. بدنبال آن برنامه نئولیبرالی سرمایه داری قدرت بیشتری گرفت و جهانی سازی آن سریع شد. بر همین روال نتایج آن درسطح سیاسی هم پدیدارشد. اما به موازات آن مبارزه نوین جنبش ضدسرمایه داری جهانی هم پا گرفت. حالا با بحران سرمایه وزمین گیر شدن برنامه نئولیبرالی، مناسبات سرمایه داری اعتبارخود را به عنوان گره گشا و پیش برنده زندگی، درمیان بخش های هرچه بیشتری از مردم دنیا از دست می‌دهد. امروزه بحث " بحران تمدنی" و نفی مناسبات سرمایه داری در بسیاری نقاط هم چون آمریکای لاتین به گفتمان (دیسکور) عمده تبدیل شده است. درسایر نقاط هم چون اروپا و آمریکای شمالی حاکمان سرمایه مجبور شده اند علاوه بر عقب نشینی از بازار آزاد بی مهاریه بازارکنترل شده و مداخله دولت در اقتصاد بخش هائی هرچند محدود از مطالبات جنبش ضد سرمایه داری، به ویژه در مورد محیط زیست، را برای کنترل بحران در برنامه خود وارد کنند. برنامه " گرین نیو دیل" که تلفیقی است از عناصر اقتصاد کینزی سرمایه داری و پاره ای مکانیزم های کنترل بین المللی بازاری، با پروژه تنوع منابع انرژی (محدود نشدن به منابع فسیلی) و بالا بردن بهره وری مصرف انرژی در اقتصاد، بیان این حرکت است، که از جانب " سبزها " و سوسیال دموکرات ها دنیا ل و اوپاما با عناوین دیگری پی گرفته و می‌گیرد و محافظه کارترین احزاب هم مجبوره پیروی از آنند. و اینهمه ، برنامه ای است برای نجات مناسبات سرمایه داری! ****

بیان اقدام های تاکنونی هدف و اولویت را نشان می‌دهد. آنان 5 تریلیون دلار برای بانک ها و سیستم مالی انسان خوار سرمایه داری اختصاص داده و متعهد شده اند تا این سیستم ورشکسته را نجات بدهند. این مبلغ 50 برابر بودجه ای است که سازمان ملل برای توسعه کشورهای فقیر و فقرزدانی به عنوان برنامه هزاره کنونی در نظر دارد و 100 برابر بودجه لازم برای فقرزدانی در آفریقا است. بودجه هائی که دولت ها هیچ توجهی به تأمین آن ندارند. گفتنی است که دولت جرج بوش با هزینه کردن شش میلیارد دلار برای بیمه سلامتی کودکان ایالات متحده با این استدلال مخالفت کرد که توان تأمین آن را ندارد.

این سؤال که آیا آنان با بکارگیری این برنامه (که چیزی شبیه آن سه دهه بین اواسط دهه 30 تا نیمه 60 قرن گذشته اموراتان را گذراند و بعد به بحران کشیده شد) می‌توانند به هدف برسند، پاسخ خود را در نحوه برخورد و مبارزه جنبش ضد سرمایه داری جهانی پیدا می‌کند. یعنی در این که آیا جنبش ما این دورباطل را پشت سر می‌گذارد و با همه قوا در مقابل آن میایستد یا تسلیم آن می‌شود.

نتایج سیاسی این تحولات هم به روشنی دیده می‌شود. ورشکستگی باشگاه گروه 8 کشور بزرگ صنعتی که قرار بود همه امور را در کنترل داشته باشد. جایگزینی آن با گروه 20

کشور که در اثر عروج سرمایه داری چین و در درجات بعدی هند و برزیل و غیره، اجتناب ناپذیر شده و به خیال آنان می‌تواند عصای دست باشد. از بین رفتن زمینه های لازم برای ادامه یک جانبه گرایی ایالات متحده در سیاست خارجی و تغییر آن به نه تنها همگرایی با متحدین بزرگ و همیشگی خود بلکه در نظر گرفتن چین و روسیه در معادله ها. آمریکا حتی دیگر در حیط خلوت خود یعنی آمریکای لاتین نیز اگر بخواهد نمی‌تواند به شیوه سابق عمل کند. این در ماجرای کودتای نظامی هندوراس دیده شد. اینکه آمریکا موضعی، هر چند ظاهری باشد، متفاوت گرفت و به نوعی و در حدی با سایر کشورهای منطقه همراه شد. اینکه آمریکا کودتا را محکوم کرد نشانه این وضعیت است! ناتوانی در پیش بردن جنگ های بزرگ همزمان از دیگر نتایج است؛ که این تغییر مهمی در برنامه خاورمیانه ای آنان بوجود آورد. یعنی متمرکز شدن نظامی گری در افغانستان و پاکستان و پیش گرفتن پروژه های سیاسی برای حل مسأله فلسطین و حکومت اسلامی ایران.

بطور خلاصه نتایج این تحولات چنین است: بی اعتباری نسبی مناسبات سرمایه داری برای پیش برد زندگی و در مقابل رشد مبارزات ضد سرمایه داری جهانی و دست آوردهای آن؛ کاهش نسبی توان دخالت مستقیم قدرت های بزرگ سرمایه در تحولات جوامع مختلف. اگر این نتایج را در کنار همدلی و پشتیبانی بخش های مهمی از مردم و نیروهای سیاسی جهان از مبارزات انقلابی ایران در نظر بگیریم، ظرفیت های پیش روی ما را نشان می‌دهند. اگرچه در این رابطه هنوز نیروهای زیادی بویژه در خاورمیانه بدلیل واهمه از سیاست و دخالت امپریالیستی در این مبارزات، اشتیاق چندانی به دفاع از آن ندارند. اما با تلاش های بین المللی می‌توان تاحد زیادی بر این مشکل غلبه کرد. و گذر زمان و رشد این مبارزه رهائی بخش نشان خواهد داد که چه تأثیری در زندگی سیاسی و اجتماعی همه خاورمیانه و کشورهای اسلامی خواهد داشت.

3- در بررسی شرایط داخلی از آن نقطه نظری که در تحولات جهانی به آن اشاره شد، پاره ای ویژگی ها دیده می‌شود که پیچیده گی بیشتری بوجود می‌آورد. ویژه گی و مسأله ای که امر بهم آوردن شکاف نان و آزادی را در میان مردم زیر سلطه هنوز در دستور قرار می‌دهد. جناح های مختلف حکومتی در دوره های مختلف از این مسأله برای پیش برد مقاصد خود سوء استفاده کرده اند. " دوم خردادی ها" با تأکید بر " آزادی " مسأله " نان " را به حاشیه بردند. احمدی نژاد در 1384 با تأکید عوام فریبانه بر "

نان" آزادی را بیشتر به بند کشید. بهم آوردن شکاف نان و آزادی و مبارزه همزمان برای این دو خواست، آن حرکتی است که به رهائی توده ها می‌انجامد.

خصلت و مطالبات ضد سرمایه داری انقلاب شکست خورده سال 57 آنقدر وزن داشت که اجازه درپیش گرفتن و گستراندن سیاست های سرمایه داری غیردولتی را تا سالها ندهد. علاوه بر آن گروه های حاکم در حکومت اسلامی، هم چون حکومت پیشین سلطنتی، که درآمد نفتی را در چنگ خود دارند و در حقیقت پدرخوانده کل اقتصاد و بخش خصوصی هم هستند نیازی نمی‌بینند که به نوع دیگری از سیاست روی آورند و اقتدار خود را به خطر اندازند. از این جهت دوبار تلاش برای درپیش گرفتن آن حد از برنامه اقتصاد بازار آزاد که در انطباق کامل با اقتصاد جهانی سرمایه داری قرار گیرد، هنوز به نتایج دلخواه نرسیده است. اجماع گروه های حکومتی بر سررسند چشم انداز بیست ساله اقتصادی که برنامه ای برای پیش برد نوع وحدی از همان برنامه نئولیبرالی جهانی و برای منطبق شدن با نیازهای ارتباط کامل با اقتصاد جهانی

سند سیاسی مصوب ...

است، هنوز نتوانسته سرعت و ضریبانگ مناسب پیش روی را بوجود آورد. چرا که دردوره احمدی نژاد، منافع گروه او هنوز تأمین نشده و کادرهای درجه دوم و نسل دوم حکومت اسلامی که با او همراه اند، و حالا گروه مسلط حکومتند، هنوز بقدر کافی فربه نشده اند. و بنابراین سیرکاستن از منابع در اختیار دولت را با اختلال روبرو کرده است. علیرغم آن که احمدی نژاد هم با طرفداران بخش خصوصی مسابقه گذاشته و مدام می گوید که بیش از آنها خصوصی سازی و بازار رقابتی ایجاد کرده، اما مجموعه عوامل بر شمرده زمینه تبلیغات "اپوزیسیونی" هواداران سرمایه داری را در ایران گسترانده است. اگرچه بعد از موج بی اعتباری سرمایه داری در سطح جهانی و رشد گرایشات ضد سرمایه داری در میان نسل جوان، لیبرالها همانند سالهای گذشته یکه تاز نیستند، اما هنوز گفتن لیبرالی بویژه بدلیل حضور دوام استبداد سیاسی حکومت مذهبی قوی است. نقض هر گونه حقوق انسانی و آزادی ها در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چنان آشکار است که زمینه این عوام فریبی لیبرالی را فراهم آورده که گویا فلاکت زندگی مردم ربطی به مناسبات سرمایه داری ندارد. و مناسبات سرمایه داری بدون "استبداد آخوندی" و بدون احمدی نژاد همه چیز را رو برآه می کند.

4 - از نظر سیاسی هم، لیبرالها ادعاهای پرسروصدا دارند. اما تجربه مستقیم زندگی و بویژه همین روند مبارزه جاری این ظرفیت را دارد که ادعاهای محک زنده و نشان دهد که آیا آنها حتی برای نفی این دستگاه جهنمی استبداد مذهبی پیگیری لازم را دارند؟ جواب را در حال حاضر می توان تاحدی از دستپاچه شدن آنها دریافت. نه تنها اصلاح طلبان حکومتی بلکه انواع و اقسام گرایش های لیبرالی از گسترش حرکت های خود جوش و بیرون سیستمی و بقول آنها "غیرقانونی" سراسیمه شده اند.

حالا همه آنها، حکومتی و غیرحکومتی، از خطر رادیکالیزه شدن حرکت های خود جوش و "بدون رهبری" و غیرقانونی حرف می زنند. اگرچه با بیان یکسان نمی گویند اما با شیوه های مختلف در پی راه اندازی پیگیری قانونی مطالبات و اعتراض ها با استفاده از باصطلاح "ظرفیت های مغفول قانون اساسی" به جای حرکت های اعتراضی توده ای اند. نتیجه چنین پروژه ای درخوش بینانه ترین حالت ممکن است به جا بجائی جناح های حکومتیان منتهی شود ولی این چیزی جز فلج کردن مبارزه و به بند کشیدن توده ها نخواهد بود. سیر مبارزه نشان خواهد داد که تا چه حد می توانند در این راه موفق شوند. هر چند موفقیت آنها معادل سوختن برگ های خودشان هم هست، چرا که در این صورت استبداد سیاسی و همین حکومت مذهبی. تمامیت خواه پا برجا خواهد ماند و آن ها شانسی برای مدل سیاسی و اقتصادی خود نخواهند یافت.

این بلایا در عین حال با پروژه های انتخاب روایت دیگری از حکومت اسلامی به جای روایت ولایت فقیه هم مطرح اند. آن هائی که تلاش دارند مردمی را که روایت اسلام حکومتی ولایت فقیه را طرد کرده اند، یک بار دیگر زیر پرچم روایت دیگری از حکومت اسلامی، مثلا حکومت اسلامی نواندیشان، ببرند به حادث شدن این بلایا کمک می کنند.

در جهت چنین پروژه هائی، گرایش های لیبرالی و بویژه اصلاح طلبان حکومتی تلاش دارند که با اعمال هژمونی و حذف گرایشات دیگر و حمله به آنان به عنوان ساختارشکن به خیال

خود یک جنبش یک رنگ و کنترل شده بوجود آورند. اگرچه تا هم اکنون هم بی ثمری تلاششان را در حرکت های توده ای دیده اند و پاسخ گرفته اند. اما شاید منافع تنگ نظرانه طبقاتی اجازه ندهد که دریابند که یک جنبش عظیم توده ای را نمی توان به آسانی در زنجیر و به خط کرد. این جنبش بخش های مختلف جامعه را با گرایش ها و خواست های مختلف در یک بستر مشترک همراه کرده است و رنگارنگی جزو موجودیت آن است و در افتادن با آن ساده نیست. برعکس، طرح مطالبات و خواست های بخش های گوناگون که عمدتا علیه مناسبات سلطه است، آن را گسترانده و قوی تر می کند. راه کار این جنبش نه "یک رنگی" بلکه "رنگارنگی" است که در بستر مشترک نفی وضع موجود حرکت می کند.

5 - گستره توده ای جنبش مبارزاتی با همه وسعتش و دربرگیرندگی بخش های مختلف اردوی کار و زحمتکشانش هنوز جای گسترش دارد. هنوز محروم ترین بخش های زحمتکشانش چنان که باید فعال نشده اند. و این به ویژه در شهرهای کوچک و حاشیه های شهری مصداق دارد. البته در چنین مراحل از مبارزه نمی توان انتظار داشت که با وجود نظم سرکوب پلیسی هنوز سرپا، مناطق کوچک که کنترلشان ساده تر است و شناسایی مبارزان آسانتر، تحرکی آشکار هم چون تهران داشته باشند. علاوه بر این، این گونه مناطق محل اسکان هواداران سازمان یافته حکومت هم هست و حضور آنها در کنترل مردم آن مناطق مؤثر است. با تضعیف بیشتر اقتدار حکومتی و روحیه باختن عوامل سرکوب و مدیران و عوامل رژیم در محل های کار و تولید، زمینه مبارزه آشکار و علنی و رخ به رخ در این محل ها هم همچون اعتصاب و غیره فراهم خواهد شد. و آنان که در مرحله کنونی بعد از زمان کار در مناطق مرکزی و مهم شهر با هم گره می خورند و در پناه جمعیت مبارزه خود را پیش می برند، فرصت گستراندن مبارزه بدیگر مناطق و محل کار و تولید را هم خواهند یافت.

مشاهده چنین وضعیتی در این مرحله نباید این نتیجه گیری اشتباه را پیش آورد که گویی توده شرکت کننده فقط مربوط به "طبقه میانی" است. پیروان معیارهای آکادمی های جامعه شناسی بورژوائی، با چنین ملاک هائی، سطح تحصیلات و حقوق ماهیانه، به طبقه بندی می پردازند. اما نمی توان آن میلیون ها فارغ التحصیل دانشگاهی که در بخش های مختلف خدمات، آموزش و صنعت و غیره در استخدام است و بیشتر به عنوان کارمند دولت کار می کنند و یا آنکه بخش قابل توجهی از آنان بیکارند را از اردوی کار و زحمت ندانست. نمی توان دوونیم میلیون دانشجوی دانشگاه ها را که در حال کارآموزی و تحصیل اند و عمدتا سرمایه آنها را بکار می گیرد و اغلب در همین دوران هم برای تأمین مخارج خود مجبور به سخت ترین کارها هستند را از اردوی کار ندانست. این ها بخش های آموزش دیده ترین اردوی بزرگ اند. همانطور که بیکاران و کارگران فصلی و موقت از این اردو هستند. همانطور که بخش عظیم زنان خانه دار چنین اند. بخش هائی مانند دانشجویان و معلمان و کارکنان آموزشی بیشترین سابقه مبارزه را داشته و دارند. و همین ها در این مرحله بیشترین بار برای گستراندن دامنه مبارزه به محروم ترین بخش ها را بدوش خواهند کشید.

اگرچه سیر شعارها و مطالبات جنبش هدف بزرگ سیاسی را نشانه گرفته، اما طرح مطالبات هر چند محدودتر، چه معیشتی و چه سیاسی و اجتماعی، نه تنها مفید بلکه ضروری است تا هم دامنه را گسترده کند و هم زمینه عملی شدن آن ها را فراهم آورد و به روشن تر شدن افق ها هم کمک کند. از آن مهمتر دست بکار شدن برای تحقق عملی پاره ای از مطالبات، مثلا تشکل های مستقل صنفی است. مبارزات کنونی این ظرفیت را دارد که

پاره ای از مطالبه ها را در همین زمان کنونی تحمیل کند. پاره ای مطالبات مربوط به ملیت ها و تشکل های صنفی را می توان در همین زمان برآورده کرد. و همه این گونه مبارزات را در همان بستر مبارزه عمومی و برای تقویت و پیشبرد آن باید در نظر گرفت.

تاکتیک ها و اشکال مبارزاتی با ابتکارهای گوناگون همراه بوده و با نافرمانی در مقابل سرکوبگران و قانون آنها و با تقویت روحیه همبستگی جمعی، کار به پیش رفته است. هرچه همبستگی مردم بیشتر می شود، هرچه آنان بعد از هر وحشیگری و سرکوب حکومتی با ابتکار تازه به کار خود ادامه می دهند و با تجدید قوا در صحنه حاضر می شوند، روحیه سرکوبگران فرومی ریزد. نافرمانی شجاعانه، بویژه نافرمانی زنان، وقتی با اقدام های بازدارنده و در عین حال هشدار دهنده و آگاه گرانه همراه باشد، عناصر سرکوب را که روز بروز از نظر روحی تضعیف می شوند، در صحنه فلج می کند. کشاندن مبارزه در مقاطع مختلف به مناطق متعدد و جلوگیری از تمرکز نیروی سرکوب و پراکنده کردن آن ها نمونه های زیادی از موفقیت را نشان داده است. همین موضوع غیر متمرکز بودن، بکار تشکل های مبارزاتی هم می آید. بوجود آمدن سازمان یابی شبکه ای مبارزان بجای متمرکز شدن آن ها، نه تنها قدرت تحرک و بقا در مقابل سرکوب را افزایش می دهد، بلکه مهمتر از آن امکان دخالت فعال و مستقیم هر مبارز و معترضی را فراهم می کند. این آن چیزی است که به آن نیاز مندیم. یعنی نیازی به افزایش توان خود که بتوانیم بر پای خود بیایستیم، با مغر خود بیاندیشیم و با دست خود بگیریم. اگر از همین لحظه و در دل همین مبارزه چنین کنیم، مجالی برای آن که قدرت در بالا دست بدست شود پیدا نمی شود. از همین لحظه تمرین کنیم که با دخالت فعال، حرکت جمعی را شکل دهیم و عنان اختیار را بدست هیچ " بزرگی " و " خردمندی " ندهیم. در آن صورت، فرصت نمی دهیم که " رهبری کاریزما " یا دسته ای فعال، قیم ما شود و با اشکال مختلف، هر چند بظاهر دموکراتیک، قدرت ما را به رباید و بر فراز سرما به نشیند و بنام ما و به کام " سرمایه " فرمان براند.

6- هر نیروی ضد سرمایه داری و چپ، فعال ترین موضع و جایگاه را، در جنبش مبارزاتی مردمی می گیرد که می خواهند خود را از زندان بزرگی به اندازه یک کشور رها کنند. ما هم چنین می کنیم. و آنانکه همیشه علیه سرمایه می ایستند و از همین امروز برای کمونیزم مبارزه می کنند، با در نظر گرفتن آنچه که درباره ظرفیت های مبارزه کنونی گفته شد، حالا نیازمند تلاش بیشتری برای طرح ضرورت " دنیای دیگر " و دامن زدن به گفتمان سوسیالیستی و بدیل خود حکومتی بجای سیستم سیاسی حکومت اسلامی در درون و در دل همین جنبش هستند و به همان سان، مبارزه برای گستراندن خواست خارج کردن اقتصاد از کنترل سرمایه، چه دولتی چه خصوصی، اجتماعی کردن آن برای زندگی همبسته و پایدار انسانی. برای طرح افق ها و ضرورت " دنیای دیگر " و تلاش برای تقویت سمت گیری ضد سرمایه داری در همین مبارزه کنونی، همراه شدن همه نیروهائی که در این جهت می کوشند ضروری است. از این رو ما بر تحقق اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم

بیش از هر زمان پا می فشاریم

سازمان ما جزئی از جنبش عظیم جاری اردوگاه کار و زحمت است و برای حاکمیت اکثریت عظیم برای اکثریت عظیم مبارزه

می کند. ما حضور فعال در جنبش های اجتماعی موجود و پشتیبانی همه جانبه از خواسته های دموکراتیک، لائیک و برابری طلبانه را در همه عرصه ها از جمله وظائف خود میدانیم. سازمان ما به دفاع از جنبش های عمومی و طبقاتی همراه با دیگر طیف های گونه گون هواداران سوسیالیسم در راه پیمائی بزرگی که کارگران، زنان، جوانان، ملیت های تحت ستم، روشنفکران و دانشجویان آغاز کرده اند، هم گام است. ما در راه دستیابی به تمامی خواست های اردوی کار و زحمت دست همه و مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم را می فشاریم.***

مبارزه رهائی بخش کنونی با شرایط منطقه ای و بین المللی این مبارزه ارتباط مستقیم دارد. توجه و تاکید بر این جنبه و بالابردن همبستگی و همدلی بین المللی و منطقه ای با این مبارزه و ارتباط متقابل، راه گشای آن است. بهمین دلیل برای مناسب کردن شرایط در منطقه و کم کردن تا ثیر منفی دخالت های امپریالیستی و جریان سیاسی ارتجاعی اسلامی منطقه ای، ما بر تداوم و پیگیری سیاست " صدای سوم در خاور میانه " تأکید می کنیم.

ما بر آنیم که همراهی و همدلی مردم مرفقی جهان را چنان جلب کنیم که دولت ها مجبور شوند دولت کودتا و هر شخص وارگان دیگری را که بیان اراده مستقیم مردم نباشد برسمیت نشناسند.

ما بر آنیم که با کارزارهای بین المللی همه مؤسسات چند ملیتی که به ادامه حیات حکومت اسلامی یاری میرسانند، تحریم شوند.

10 شهریور 1388

نظرات اقلیت در موارد ستاره گذاری شده در متن چنین است :

* این خواست از منظر رابطه با حکومت، به دلیل توازن قوای موجود و میزان توان مبارزان در این مرحله، طرح شعارهای غیر مستقیم و استفاده از سپر دفاعی نیروهای حکومتی، هنوز نفی کامل این نظام نیست

** این مبارزات همچون هر جنبش بزرگ توده ای خصلت اصیل دارد و بر ساخته ی مردم دلاور کشور ماست و تنها دستگاه تبلیغاتی ورشکسته ولایت فقیه می تواند به آن مارک مخملی بزند یا آن را توطئه و غیره بنامد. معذرا این جنبش توده ای به طور عمدتاً تحت رهبری شبکه های اصلاح طلبان قرار دارد هر چند حرکات مستقل از این رهبری را نمی توان و نباید انکار کرد.

*** این جنبش به واسطه استبداد فراگیر خصلت همگانی دارد و لایه های متنوعی در آن شرکت دارند. نیروی پیش برنده این مبارزه انقلابی همان بخش اکثریت بزرگ جمعیت یعنی زیر 30 ساله ها یعنی " نسل سوم سیاسی " دوران حکومت اسلامی است. به عبارتی دیگر، این انقلاب این نسل است. نسلی که با انرژی جوانی عمل می کند، سرخوردگی و شکست نسل اول را ندارد و به میزان زیادی تجربه نسل دوم خردا را هم دریافته است. رشد و تکوینش بیش از هر بخش دیگری از مردم، در ارتباط با جهان و مسائل دنیا و بیرون از مرزهای فرهنگی و سیاسی و اجتماعی تحت کنترل حکومت اسلامی بوده و بی حقی را بر نمی تابد. و این روزها وحشی

قطعه نامه کنگره پیرامون ضوابط حاکم

بر رسانه های سازمان

برای آنکه جایگاه مطالبی که در سایت سازمان آورده میشود، بویژه در رابطه با مواضع عمومی- سیاسی سازمان، (که بوسیله کنگره ها، کمیته مرکزی و فرآیندها تعیین شده و می شود.) روشن باشد و سایت در خدمت بحث و گفتگو و شکوفایی نظرات همه مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم قرار گیرد، برای آنکه علاوه بر انتشار نظرات اعضای سازمان، روال انتشار نظرات منتقدان هم معین باشد، به نحو زیر عمل می کنیم:

1- عبارتی با این مضمون در بالای سایت و نشریه اینترنتی نوشته میشود:

" مواضع عمومی - سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در بیانیه ها، مصوبات و اسناد با امضای
 نهادهای سازمان مطرح می شود. نوشته های با امضای فردی و یا گفته های افراد در فایل های صوتی و یا تصویری
 برای سازمان تعهد آور نیست. "

2- اسناد نهادهای سازمان به روال تا کنونی در صدر سایت و نشریه منتشر و در بخش ویژه ای آرشیو می گردد.

3- ترتیب انتشار نوشته های با امضاء فردی :

الف : آن دسته از مقالاتی که مخالف مبانی کلی سازمان نیست، به ترتیب و با در نظر گرفتن اولویتهای سیاسی روز
 در ستون اصلی سایت منتشر می شود.
 ب : آن دسته از مقالاتی که در چارچوب مبانی کلی سازمان نیست، به تشخیص هیات سردبیری در ستون دیدگاه درج می شود.

4 - سایت راه کارگر با مسئولیت کمیسیون سایت اداره میشود. این کمیسیون از طرف کمیته مرکزی انتخاب وزیر نظر آن عمل می کند.

گری و خشونت دستگاه سرکوب حکومتی را هم بطور مستقیم تجربه می کند و به دریافت تازه ای می رسد. ولی ترس خورده نشده و با جسارتی که ویژه این دوره هاست با ابتکارهای بدیع تاکنون ادامه داده است. و همین، قدر قدرتی دستگاه سرکوب را می شکند. بخش بزرگ مزد و حقوق بگیران و زنان و بیکاران و غیره در این بخش جمعیتی اند که به نسبت دیگر نسل ها از سطح آموزشی و تحصیلی بالاتری هم برخوردارند.

**** در سایر نقاط هم چون اروپا و آمریکای شمالی حاکمان سرمایه مجبور شده اند علاوه بر عقب نشینی از بازار آزاد بی مهاره بازار کنترل شده و مداخله دولت در اقتصاد بخش هائی هر چند محدود از مطالبات جنبش ضد سرمایه داری، به ویژه در مورد محیط زیست، را برای کنترل بحران در برنامه خود وارد کنند. البته در این جا لازم است که به جوهر و درون-مایه-ی مداخله دولت اشاره-ای شود. این سیاست را دست-کم در شرایط کنونی نباید با اقدام-هایی یک-سان انگاشت که در دولت رفاه در دوره-ی روزولت اجرا شدند. این اقدام-ها در واقع تدبیرهایی هستند اضطراری که می-کوشد بخش خصوصی و سرمایه را از بحران برهاند. وام گیری عناصری از پلاتفرم دولت رفاه در طرح دولت اوپاما نباید با خود دولت رفاه یک-سان پنداشته شود؛ بلکه باید آن را اساسا هم-چون اقدام-هایی در راستای نجات نتولیبیرالیسم تلقی نمود. از این رو ارزیابی و اعلام پروژه-ی اوپاما به مثابه-ی بازگشت به دوران روزولت نادرست است؛ همان طور که اعلام پایان نتولیبیرالیسم اغراق-آمیز است و تصویر واقعی از بحران و سرشت راه-حل-هایی که برای برون رفت از آن در پیش گرفته شده به دست نمی-دهد.

**** ما با همه وجودمان بر این خواست ها پامی فشاریم:
 - آزادی های بی قید و شرط سیاسی شامل، آزادی عقیده و بیان و همه انواع تشکل های سیاسی، صنفی، فرهنگی و اجتماعی و اعتصاب و تظاهرات و همایش ها و غیره
 - خارج کردن مذهب و ایدئولوژی از حوزه عمومی جامعه و دستگاه آموزش عمومی. حذف مذهب رسمی و آزادی و برابری همه مذاهب و بی مذهبی (آته ایسم) و هر نوع عقیده - برابری کامل و بدون قید و شرط جنسیتی در همه حوزه های زندگی عمومی و خصوصی. لغو بدون اما و اگر همه قوانین ضد زن و مبارزه با ارزش های اجتماعی مردسالارانه. حق ترحیمی زنان در حوزه فعالیت های سیاسی و اجتماعی. تأمین زندگی مناسب زنان تک سرپرست و زنان کم درآمد از منابع عمومی
 - برابری ملیت ها و همه گروه های قومی و حق تعیین سرنوشت آنها
 - آزادی و برابری همه انواع گرایش های زندگی فردی و جمعی و خانوادگی و گرایش های جنسی
 - حق و امکان برابری برای دخالت مستقیم هر فرد در زندگی سیاسی و اجتماعی
 - حق برابر و آزادی دسترسی همگان به تمامی اطلاعات و آمار عمومی در حوزه های
 سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و فنی
 - حق همه زحمتکشان برای داشتن زندگی مناسب و تأمین آن از منابع عمومی
 - حق سلامت و آموزش برای همگان و تأمین آن از منابع عمومی
 - حق و وظیفه انسان برای حفظ و داشتن طبیعت به عنوان مادر خود و برخورداری از محیط زیست سالم
 - لغو اقدام و همه قوانین مجازات شرعی
 - انحلال دستگاه های سرکوب
 - خود حکومتی و دخالت مستقیم و مشارکتی آحاد مردم در تصمیم گیری، اجرای تصمیم و نظارت بر اجرای تصمیم در سطوح مختلف زندگی سیاسی بجای حکومت اسلامی و هردولتی که بفرزاسر مردم به نشیند
 - خارج کردن اقتصاد از کنترل سرمایه، چه دولتی و چه خصوصی، اجتماعی کردن آن برای زندگی پایدار و همبسته انسانی نه سودآوری و انباشت سرمایه خصوصی.

قطننامه درباره جدایی ...

که درعین حال اشتراکات ما را نیز منعکس کند به جنبش چپ
ارایه دهیم .

در تاریخ ۲۰ ژوئن مذاکره هیئت نمایندگان رفقای جدا شده و
هیئت منتخب کمیته مرکزی برای حل و فصل اجرایی امر
جدایی انجام شد. در این مذاکره هیئت منتخب کمیته
مرکزی به این رفقا به ترتیب پیشنهاد کرد که جدایی به
تعویق بیفتد و پس از یک دور بحث علنی در یک کنگره
مشترک برای حل اختلافات به شیوه اصولی اقدام شود ، و
اگر این پیشنهاد را رد میکنند و همچنان بر جدایی تاکید دارند،
به صورت دو فراقسیون مستقل تشکیلاتی و با حفظ برخی
فصول مشترک امر جدایی را به انجام رسانیم که همه این
پیشنهادات توسط این رفقا رد شد و با کمال تاسف این
جدایی بر ما تحمیل شد.

کنگره چهاردهم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با
ابراز تاسف از این جدایی اعلام می کند که از دید ما هیچ یک
از اختلافات موجود درسطحی نیست که میانی مشترک
برنامه ای و اساسنامه ای سازمان ما را خدشه دار کند. ما
معتقدیم این حد از اختلافات و تفاوت در نگرش، که لازمه
پویائی و طراوات فکری است، در چهارچوب یک سازمان
انقلابی و آزادیخواه کمونیستی می گنجد. از اینرو ما کماکان
خواهان همکاری و مبارزه مشترک هستیم و بعد از تلاش
های سالهای اخیر برای فعالیت متحدانه همه هواداران
سوسیالیسم، یکبار دیگر از همه آنها که می توانند بر اساس
پایه ای ترین موازین مربوط به رهایی از سلطه سرمایه و
آزادی واقعی انسانی مبارزه کنند دعوت به متحد کردن مبارزه
خودمان می کنیم.

کنگره چهاردهم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ضمیمه ۱:

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه
کارگر)

پیرامون جدایی بخشی از رفقای سازمان

در سی امین سالگرد تاسیس " راه کارگر " متأسفیم که به
اطلاع عموم برسانیم که بخشی از اعضای سازمان ما
تصمیم قطعی خود را برای جدایی و پایان دادن به وحدت
سازمانی اعلام کرده و آنرا به مورد اجرا گذاشته اند . این
جدایی ناشی از اختلاف نگرش در مناسبات مربوط به فعالیت
جمعی سیاسی و چگونگی تنظیم رابطه گرایش های فکری
متفاوت درون سازمان است. این اختلاف که خود را در موضوع
ضوابط حاکم بر شیوه کار رسانه های سازمان نیز نشان میداد
، عواقب خود را در مناسبات اعضا با یکدیگر نیز بروز داد .

تفاوت نگرش پیرامون مسایل فوق در جریان بحثهای مربوط به
آنها بویژه در یکساله اخیر فضای درونی سازمان را تنش آلود و
زمینه گفتگو را نامناسب کرده بود. در متن چنین وضعیتی در
تاریخ 22 فروردین 1388 تعدادی از اعضای سازمان با انتشار
یک نامه درونی ، ضمن اعتراض به فضای موجود ، خواهان
مبارزه با آن شدند.

اکثریت اعضای کمیته مرکزی سازمان نیز به صفت فردی این
نامه اعتراضی را امضا کرده بودند.

بعد از انتشار این نامه سرگشاده درونی، شمار دیگری از
اعضای سازمان ، به مضمون و روش جمع آوری امضا این نامه
اعتراض کردند. آنها نشست های جداگانه خود را تحت عنوان
مخالفان نامه سرگشاده برگزار کرده و خواستار آن شدند که :
موارد اتهام مندرج در نامه و نام متهمین اعلام شود. در این
میان یکی از ان رفقا ، که عضو مرکزیت بود ، از ادامه حضور در
جلسات کمیته مرکزی خودداری کرد. کمیته مرکزی در پاسخ
به اعتراض این رفقا از آنان خواست که در نشست منظم

از نظر ما این بن بست ناشی از عدم تحمل گرایش های
متفاوت، هر چند استوار بر مبانی مشترک برنامه ای، از
جانب فعالان بخش جدا شده از سازمان بود. ما بر آن بوده و
هستیم که گرایشهای متفاوت که در چهارچوب مبانی برنامه
مصوبه کنگره اول سازمان ما قرار دارند، می توانند کماکان بر
اساس روالهایی که طی سالهای اخیر برای همزمی و
مبارزه مشترک در سازمان ما شکل گرفت به فعالیت جمعی
ادامه دهند. نمونه عدم تحمل گرایش های متفاوت و عدم
پذیرش عملی آزادی بیان واقعی گرایشها خود را در برخورد
رفقای جدا شده در مورد شرکت یکی از گرایشهای فکری در
رفراندم مربوط به تعیین ضوابط حاکم بر رسانه های سازمان
نشان داد. نشست مورخه ۲ ماه مه این رفقا مصوب کرد که
: آنها در هیچ رفراندمی که ستوال مربوط به حذف " دیدگاه "
(جایگاه مقالاتی از اعضا که از نظر آنها مخالف و ناهمخوان با
مصوبات سازمانی است) شرکت نمی کنند. این چیزی جز
درخواست حذف آن گرایش فکری نبوده و نحوه نگرش به
تحمل نظر مخالف و آزادی بیان را نشان می دهد.

۳- در دوره مباحثات برای چگونگی ضوابط حاکم بر رسانه ها و
همچنین بحث های سیاسی درباره کشتار فلسطینی ها در
غزه ، فضای سازمان تنش آلود شد. در متن چنین وضعیتی
در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۸۸ (۱۲ آوریل ۲۰۰۹) تعدادی از اعضای
سازمان با انتشار یک نامه درونی ، ضمن اعتراض به فضای
موجود خواهان مبارزه با آن شدند. (ضمیمه ۲)

اکثریت اعضای کمیته مرکزی سازمان نیز به صفت فردی این
نامه اعتراضی را امضاء کرده بودند.

این نامه ابهامهایی در فرمولبندی داشت و مثلا در مورد اتخاذ
تاکتیک و تعیین تصمیم سازمانی بر اساس رای اکثریت باعث
سوء استفاده مخالفان شد و علیرغم توضیحات لازم که در
مصوبات کمیته مرکزی هم آمده و در این نوشته خواهد آمد،
آنها از این سوء استفاده دست نکشیدند . اما ما بر آنیم که
این نوشته بر خلاف نظر رفقای جدا شده ، چنانکه در مصوبات
آنها اعلام شده است، علت این جدایی نبوده و تنها بهانه ای
شد که رفقای جدا شده حرکت خود را در پناه آن برای جدایی
پیش برند. با انتشار این نامه، آنها نشست جداگانه ای از
نشستهای عمومی اعضای سازمان تحت عنوان " مخالفان
نامه سرگشاده " در تاریخ ۱۹ آوریل ۲۰۰۹ تشکیل دادند. از
این پس بنا بر مصوبات نشست های آنان که در ضمیمه ۲
می آید شرکت در جلسات عمومی سازمان داده شده توسط
کمیته مرکزی مرکزی را هم تحریم کردند. (لیست و متن
کامل مصوبات نشست های جداگانه آن رفقا و پاسخهای
کمیته مرکزی به نمایندگی از جانب نشستهای عمومی
سازمانی اعضا را ضمیمه ۲ به ترتیب تاریخ آورده ایم تا تصویر
واقعی از اختلافات در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

در تاریخ پنج شنبه ۲۸ ماه مه نشست مشترک کمیته
مرکزی با هیئت نمایندگی رفقای جدا شده بنابر پیشنهاد
کمیته مرکزی و پذیرش آنها برگزار شد. جمع بندی این رفقا
از این مذاکره (در ضمیمه ۲ متن کامل این جمع بندی
منعکس است) در کلام نهایی این بود که فعالیت مشترک
موافقین و مخالفین نامه سرگشاده در یک سازمان مقدر
نیست و باید وارد مرحله اجرایی جدایی شد. اما جمع بندی
کمیته مرکزی این بود که علیرغم تاکید ما بر این نکته که
اختلافات ما در چهارچوب مبانی برنامه و اساسنامه سازمان
است و ضمن ادامه تلاش برای ممانعت از جدایی ، اگر این
رفقا همچنان بر جدایی تاکید دارند ما خواهان تداوم مذاکره
برای بررسی راه های جدایی متمدنانه هستیم و از نظر ما
حتی اگر کار به جدایی بکشد ، اشتراکات پایه ای ما این
امکان را میدهد که نوعی خاص و الگوی تازه ای از جدایی را

مجمع عمومی و در بحث همگانی مسایل مورد اختلاف بررسی شود. اما متأسفانه رفقای معترض از پذیرش این پیشنهاد خودداری کرده و به تحریم مرکزیت و جلسات عمومی آن ادامه دادند. ما همچنین به این رفقا پیشنهاد کردیم که چنانچه دیگر به صلاحیت کمیته مرکزی باور ندارند با فراخواندن کنگره 14 سازمان و یا یک کنگره فوق العاده پیش از موعد، ضمن بحث و تصمیم گیری پیرامون اختلافاتمان، کمیته مرکزی جدیدی را با رای اکثریت اعضای کنگره انتخاب کنیم. پیشنهاد دیگر کمیته مرکزی به رفقای خواهان جدائی، به تعویق انداختن آن به منظور بحث و تبادل نظر بیشتر برای شفاف شدن موارد اختلاف و حداقل شکل گیری پلانفرمهای روشن و مشخصی که با مراجعه به آن، موارد اختلاف برای اعضاء سازمان روشن گردد. اما متأسفانه این پیشنهادات نیز مورد پذیرش رفقا قرار نگرفت. ما حتی پیشنهاد کردیم که برای حفظ وحدت سازمانی به صورت دو فراکسیون تشکیلاتی مستقل (اما زیر یک سقف) فعالیت کنیم، که این خواسته هم از طرف آنان رد شد. کمیته مرکزی همچنین خواستار آن بود که موارد اختلاف را برای یک دوره به بحث علنی بگذاریم تا فعالین جنبش چپ نیز در جریان مباحثات ما قرار گیرند و تنها پس از شفاف سازی اختلافات و در صورت ضرورت و بحث کافی امر جدائی را به مرحله اجرا درآورند. آخرین پیشنهاد ما تعویق این جدایی در شرایط بر آمد اخیر اعتراضات توده ای در ایران و به منظور سازماندهی حمایت موثر و یکپارچه از جنبش داخل بود، که آن هم رد شد! از اینرو علیرغم نظر اکثریت کمیته مرکزی و دست کم نیمی از اعضاء سازمان، این جدایی بر ما تحمیل شد.

ما ضمن مخالفت با این جدایی، آشکارا اعلام میکنیم که از دید ما هیچ یک از اختلافات موجود در سطحی نیست که مبنای مشترک برنامه ای و اساسنامه ای سازمان ما را خدشه دار کند. ما معتقدیم این حد از اختلاف و تفاوت در نگرش، که لازمه پویایی و طراوت فکری است، در چهارچوب یک سازمان انقلابی و آزادیخواه کمونیستی می گنجد. ما بر این باوریم که جدایی این بخش از پیکره سازمان، پراکندگی در صفوف جنبش سوسیالیستی را بیش از پیش دامن زده و به روحیه وحدت طلبی در طیف بزرگ هواداران آزادی، سوسیالیسم و خودحکومتی کارگران و زحمتکشان آسیب میرساند. از اینرو ما کماکان خواهان همکاری و مبارزه مشترک هستیم.

ما در آینده اسناد و گزارش تفصیلی دیگر موضوعات مورد اختلاف و روند این جدایی را در اختیار عموم قرار خواهیم داد.

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

7 ژوئیه 2009 - 16 تیر 1388

• لازم به توضیح است که علیرغم آخرین درخواست کمیته مرکزی، رفقای خواهان جدایی - که مسئولیت فنی سایت را برعهده داشتند - بر خلاف اساسنامه از تحویل سایت رسمی سازمان به ما خودداری کردند، از اینرو به اجبار سایت اینترنتی جدیدی را ایجاد کرده ایم که آدرس های آن عبارتند از:

ضمیمه ۲:

نامه سرگشاده درونی

رفقای عزیز کمیته مرکزی سازمان

و همه اعضای عزیز سازمان

آری، راه کارگر سی ساله می شود. مبارک است. ما راه کارگری ها همچون جزء کوچکی از اردوی عظیم کار، سی

سال است که علیه سرمایه و ارتجاع جهانی و داخلی در آرایش نابرابر می جنگیم و در مسیر آرمان با شکوهمان که سرنوشت نهائی انسان آزاد شده فرداست، به راهپیمائی ادامه می دهیم.

در این راهپیمائی سی ساله و برابری جاده پر سنگلاخ سخت و دشوار اما با درد بسیار، عزیزانی را از دست داده ایم. یاران ما چون بی شمارانی دیگر که سودای سوسیالیسم و آزادی، سودای زندگانی بهتر برای انسان در سر داشتند، جانانه بر سر پیمان ایستادند و دلیرانه سر باختند.

اینک ما، مابازماندگان آن به خاک خفته گان که از میان آتش و خون این مسیر طولانی با همه افت و خیزها، برگ ریزان ها، خطاهای جبران ناپذیر و جانفشانی های کم نظیر، سرشار از آزمون و خطا عبور کرده ایم، به کجا ایستاده ایم؟

راستی را به کجا ایستاده ایم رفقا! که ترک پیمان کنیم ورشته دوستی ورفاقت بگسلیم؟ چه برمارفته است که نهال دشمنی می کاریم ورشته دوستی پاره می کنیم؟ برما چه رفته است یاران که چون بیگانگان جداسری پیشه کرده ایم؟ برآن رودخانه ای که قرار بود به دریا بپیوندد، چه رفته است که جویباری میرنده گشته است؟! نه، مابه مرگ این عزیزتن درنخواهیم داد و مضمم ایستاده ایم تاهارقدام نابخرادنه ای را که دراین میرائی نقش ایفا می کند، خنثی کنیم.

رفقای عزیز!

گذشته ها گذشته است وامروزه این کج اندیشی ها تنها مسیرتلاشی ونابودی سازمان راهموار می کند! آیا برای عزیزان ما دانسته نیست که تیشه به ریشه خود می زند ونهالی را که به درخت تبدیل کرده ایم، ازین به خاک می اندازند، آنهم بنام سوسیالیسم وآزادی؟ آنهم با اینهمه نقد برگزشته؟ آنهم با این همه دستاورد دموکراتیک در درون سازمان از کنگره اول به این سو!

نه، روند تلاشی سازمان، سرنوشت محتوم ما نیست. ما به این روند تن در نمی دهیم.

رفقا!

فضای مسموم چند ماهه اخیر، نفس کشیدن را بر اعضاء سازمان سخت کرده است. در چنین هنگامه ای که فضا سنگین است و کشنده، اکثریت اعضاء سازمان خاموش اند. پیش از آنکه همه مان در این فضا خفه شویم، باید سکوت را شکست. نه تنها نباید به این فضا تن در داد که باید محکم جلوی آن ایستاد.

ما امضاء کنندگان این نامه علیه این فضا-که شماری اندک آنرا پرورانده اند- اعتراض می کنیم. ما علیه بی حرمتی ها، علیه توهین ها و تحقیرها، علیه زبان تلخ و غیررفیقانه و علیه دست اندازی به دست آوردهای دموکراتیک سازمان اعتراض می کنیم.

ما علیه همه چیزهای بد، همه چیزهای غیرکمونیستی، همه چیزهای غیرانسانی و غیررفیقانه اعتراض می کنیم. و بی تردید همچون اکثریت قاطع اعضاء این سازمان معتقدیم، صاحبان اصلی این تشکیلات تک تک رفقای عضو سازمان هستند و هیچکس، مطلقاً هیچکس ارجحیتی بردیگری ندارد.

رفقای عزیز!

سازمان راه کارگر، عزیز ما نیست چون ظرفی است که ما درآن جا خوش کرده ایم و تا بدین جایش کشانیده ایم، عزیز است چون وسیله سالم، نجیب ومناسبی است در خدمت راهپیمائی بزرگ بر جاده دوران ساز سوسیالیسم و اگر درمیان جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی رو به رشد میهن دریند ما ایران نامی وجایی دارد -که با سرفرازی باید گفت دارد- محصول چند نام آشنا یا چند مقاله نیست. محصول جانفشانی های تک تک راه کارگری هاست. چه آنها که چهره درغبارخاک فروکرده اند و چه آنها که دراین راهپیمائی حاضرند و چه حتی پارانی که به حق و به ناحق امروزه درکنار ما قرارندارند. هم ازاین روست که راه کارگر عزیز ماست و از آن تک تک ماست.

این سازمان عزیز خودش را با برنامه واساسنامه(که باید اصلاح و ترمیم و بروزشود) و مصوبات کنگره ها تعریف می کند و مبنای روشن و پذیرفته شده ای دارد، نه تفسیر دلخواهی و متلون این رفیق یا آن رفیق.



= توجه =

برای مطالعه سایر ضمايم اين قطعنامه ، به سايت سازمان مراجعه كنيد . ساير ضمايم در انتهاي " قطعنامه درباره جدائي بخشي از رفقا " درج شده اند .

www.rahekaregar.com

ادامه از صفحه يك

در سپاس از همدلی ...

اين خود به تنهائي نه تنها دلگرم كننده است كه نشان مي دهد هر چند مبارزات آزاديخواهانه و سوسياليستي در پيكره هاي جدا از هم - چه تشكيلاتي و چه منفرد - تداوم دارد؛ اما در قبال استبداد سپاه روياروي و نظام جابرانه سرمايه داري ، داراي مسئوليت هاي مشترك و همبستگي است.

هم از اين روي وظيفه خود مي دانيم از همدلي همه ياراني كه از اين جدائي اظهار تاسف کرده اند و آمادگي اعلام داشته اند تا پا درمياني كنند؛ سپاسگزاريم. حقيقت اين است كه اين جدائي بر بنياد هيچ منطقي كه جدائي را توجيه و اجتناب ناپذير كند، استوار نيست و ما به سهم خود تلاش كرديم تا جلوي تحقق آنرا بگيريم. با اين همه اين امر متاسفانه توسط رفقاى جدائي خواه ما پيش رفته و قطعيت يافته است.

ما از همه رفقا و دوستانى كه در اين مورد احساس نگراني کرده اند، سپاسگزارى مي كنيم و دستهاي زيادي را كه براي ياري و همدلي بسوي ما دراز شده است با تمام وجود مي فشاريم و خود را با جنبش بزرگي كه روياروي ما در حال اوج گيري است هم چون همه شما ياران عزيز همگام مي دانيم و اين درد مشترك را فرياد مي زنيم

سرنگون باد رژيم جمهوري اسلامي !

مستحکم تریاد پیوند هواداران سوسیالیسم و آزادی !

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم !

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

11 - سپتامبر - 2009

در اين چارچوب است كه همه اعضاى سازمان حق دارند بدون چون و چرا وبدون قيدوشروط هر چه خواستند بنويسند و هرچه خواستند بگويند. هرگونه ابرازنظرو عقیده ازطرف تك تك اعضاى سازمان ما تازمانيكه در عمل- تأكيد مي كنيم در عمل - وفادار به اين چهارچوبيند، بدون قيد و شرط آزاد است وباید حاكميت چند صدائى درچارچوب يادشده بالا به رسميت شناخته شود. انديشيدن و راه گشائى كردن براي رسيدن به افق آرزائي ما اگر لازمه اش شنا كردن در مسيرهاي مختلف يا بيان و اتخاذ تاكتيك هاي متفاوت است، اين در نبايد برروي هيچ ريفي بسته بماند و امري انحصاري نيست. هم از اين روست كه انديشه ورزي در سازمان مانه تنها نبايد سرکوب شود كه صد البته بايد مورد تشويق هم قرار بگيرد. تنها ملاك ما وفاداري به تصميم اكثريت درعمل است. تشخيص اين امرهم البته تنها به مديريت قانوني سازمان، كميته مركزي وكميسیون نظارت در فاصله دوكنگره مربوط مي شود، نه افراد و نهادهاي غيرمنتخب كه درواقع كارگزاران مركزي هستند. ونه رهبري در سايه-اگروجودداشته باشد-. براين اساس و ويژگي هاست كه ما با تأكيد قاطع برقانونيت، عليه حذف، تبعيض، اختلاف تراشي، فكركشي، امتيازدهي وامتيازستاني، نابرابري ها و پيش داوري ها اعتراض مي كنيم.

رفقاى عزيز!

مقوله "ديدگاه" در اين چند ماه مشكل ساز و انرژي سوز شده است. كار رفقاى اين شده است كه به تعبير و تفسير نوشته ها و مهور شدن يا نشدن آنها به مهر "ديدگاه" بپردازند. هرچند اين بحث دردرون سازمان ما به درستي ادامه دارداما ما گمان مي كنيم كه به جاي تن دردادن به اين مشكلات كافي است به سر لوحه رسانه هاي سمعي و بصرى و نوشتاري ما آورده شود: " مواضع رسمي سازمان با امضاء نهادهاي رسمي آن اعلام مي شوند و مسئوليت نوشتار وكفتار رفقاى عضوسازمان به صفت فردي، بعهد خود ايشان است ومسئوليتى رابراى سازمان دربرنخواهد داشت". رفقاى عزيز!

ما نيزچون همه شما به وجود اختلافات نظري عموماً شكل نيافته واقفيم وبه هيچ وجه قصدلاپوشاني آن رانداريم. مسئله اين است كه دارندگان نظرات بايد بتوانند ديدگاههاي خود را در فضائي ريفيقانه و با فرصت هاي برابر مطرح كنند. در صورت استقرارفضاي ريفيقانه و برابر است كه مبارزه نظري سالم فرصت عرض اندام پيدا خواهد كرد. نه با سنگربندي هاي مصنوعي! و زير فضاي پرتنش و مرعوب كننده، چرا بجاي اتهام زني ها، تخریب كردن ها! و هول دادن رفقاى كه گمان مي رود به كژ راه مي روند، استين بالا نمي زنيم وروي اختلافات كارنمي كنيم؟ آيا چون حذف و جداسري سهل تر است به آن پناه برده ايم؟ آيا نمي شود به قيمت حذف جاذبه دلربائي هاي روزانه كه جز روزمرگي و فرصت سوزي باري ندارد، مسئولانه نشست و كار جدی و افناعی کرد؟ وفاصله با همزمان سي ساله را در هم شكست؟ آيا تنها در صورت سازماندهي مبارزه نظري در يك فضاي ريفيقانه و برابر با هدف وصل و نه فصل نيست كه سرانجام هر ريفيكي امكان مي يابد تا نظراتش را شفافيت بيشتري ببخشد؟

ما امضاء كنندگان اين نامه به صفت فردي و مستقل از جايبگاه تشكيلاتي خود اعلام مي كنيم كه عليه روشهاي ويرانگر خواهيم ايستاد و پيش از اين نه سكوت مي كنيم و نه تمكين مي كنيم و از همه همدلان معترض كه متاسفانه فرصت تماس با آنان فراهم نشده دعوت مي كنيم تا با امضاي خود در زير اين نامه، با ما همصدا شوند. پايدارباشيد

زنده باد سوسیالیسم و آزادی

زنده باد اتحاد رزمنده راه کارگری ها

پايدار باد سازمان پر افتخار كارگران انقلابي ايران (راه كارگر)

22 فروردین 1388 برابر با 10 آپریل 2009

امضای بخشی از رفقا